

## بررسی سازکارهای دفاعی- روانی فروید در منظومه جمشید و

### خورشید سلمان ساوجی

ستار عبدالله‌پور<sup>۱</sup>، آرش مشفق<sup>۲</sup>، غلامحسین جوانمرد<sup>۳</sup>

چکیده

از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه روان‌کاوی فروید، سازکارهای دفاعی- روانی است. به عقیده وی همه مردم برای رسیدن به آرزوهایشان کوشش می‌کنند، اگر در رسیدن به آرزوهایشان ناکام شوند، دچار فشار روانی می‌شوند و برای رویارویی با فشار روانی، از سازکارهای دفاعی استفاده می‌کنند. منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی، ظرفیت‌های قابل‌تأمل برای بررسی سازکارهای دفاعی- روانی فروید را دارد و می‌تواند از دید روان‌کاوی، بررسی شود. در همین راستا، نوشتار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، بر آن بوده است تا از زاویه روان‌کاوی به تحلیل سازکارهای دفاعی- روانی بکار رفته در این منظومه بپردازد؛ و به این پرسش پاسخ دهد که شخصیت‌های این منظومه، هنگام رویارویی با ناکامی‌ها چه واکنشی از خود نشان می‌دهند؟ نتایج پژوهش نشان‌گر آن است، این شخصیت‌ها نیز مانند دیگر افراد جامعه، هنگام ناکامی و پریشانی به سازکارهای دفاعی- روانی، متوسل می‌شوند تا آشوب و آشفتگی درونی خود را کاهش دهند.

کلیدواژه‌ها: منظومه جمشید و خورشید، نقد روان‌شناختی، اضطراب، تعارض، سازکارهای دفاعی- روانی.

sattarabdollahpour@gmail.com

۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

moshfeghi.arash@gmail.com

۲استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)

javanmardhossein@gmail.com

۳دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

## مقدمه

روانشناسی با عمر تجربی و علمی محدود خود، در شناخت زمینه‌های گوناگون رفتار و کردار فردی و گروهی دستاوردهای زیادی داشته است. این یافته‌ها زیر عنوان رشته‌های گوناگون روانشناسی مورد توجه درمان‌گران و قشرهای مختلف مردم قرار گرفت چنانچه رابطه روانکاوی و نقد ادبی، یکی از مطرح‌ترین بحث‌های قرن بیستم شد.

نقد روان‌شناختی بر پایه‌ی نظریه روان‌شناختی فروید (۱۹۳۵-۱۸۵۲) همراه بوده است. پیروان فروید بر اصول نقادی خود سخت پایبند بودند و ادبیات را به بستر نظریه روانشناسی کشاندند. فروید معتقد بود که «امروز دیگر روانکاوی، تنها یک روش درمانی نیست بلکه با تجزیه و تحلیل خصوصیات روانی مردم سالم، وارد میدان پهناور علوم انسانی شده و توجه عام و خاص را به سوی خود جلب کرده است.» (فروید، ۱۳۸۲: ۶). او بر این باور بود که انسان از طریق رؤیا، خواب و آفرینش‌های هنری و ادبی با جنبه‌هایی از شخصیت خود که به جهات مختلف نمی‌تواند، به‌طور دقیق به آن‌ها بنگرد، آشنا می‌شود. بدین معنا که ضمیر «ناخودآگاه» مفاهیم خود را که هشداری برای به هم خوردن تعادل روان است به رؤیاها و آفرینش‌های ادبی و هنری گسیل می‌کند. شاعر در شعر، نویسنده در داستان و نقاش و مجسمه‌ساز هر یک در آثار خود به نحوی جنبه یا جنبه‌هایی از خود یا شخصیت‌های درون آثارشان را روایت می‌کنند و یا به تصویر می‌کشند.

منظومه‌های غنایی بستر مناسبی برای تحلیل روانکاوی شخصیت‌های داستانی هستند؛ چون این نوع ادبی قسمت مهمی از فراز و فرود زندگی دو شخصیت اصلی (عاشق و معشوق) را روایت می‌کند و مخاطب شاهد انواع کنش و واکنش در سطح این نوع داستان‌ها می‌شود. منظومه غنایی «جمشید و خورشید» قابلیت نقد با نظریه شخصیت فروید را داراست و سلمان ساوجی به صورت ناخودآگاه از بخشی از نظریه فروید در آفرینش شخصیت‌های داستانی‌اش استفاده کرده است. در این مقاله سعی می‌شود که با تمسک به نقد روان‌شناسانه فروید اعمال و رفتار شخصیت‌های داستانی منظومه‌ی «جمشید و خورشید» مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا پرده از نیات اصلی آن‌ها برداشته شود.

## مسئله و روش پژوهش

پژوهش حاضر، به روش توصیفی- تحلیلی و بر پایه پژوهش‌های کتاب‌خانه‌ای انجام گرفته است. در این راستا، نخست مبانی نظری پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و نظریات فروید درباره سازکارهای دفاعی- روانی، مورد بررسی قرار گرفته و طبقه‌بندی شده و سپس با رویکرد تحلیلی با آوردن شاهد مثال‌های دقیق از داستان، به انواع سازکارهای دفاعی مانند پرخاشگری، باطل‌سازی، دلیل‌تراشی، واکنش وارونه و... که شخصیت‌های داستان در موقعیت‌های مختلف از آن‌ها استفاده کرده‌اند، پرداخته شده است. این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد، شخصیت‌های این منظومه هنگام رویارویی با ناکامی و فشار روحی برای کاهش آشفتگی‌شان چه واکنشی از خود نشان می‌دهند؟ و همچنین برای پاسخ به این پرسش که اساساً کدام یک از سازکارهای دفاعی- روانی در این منظومه بروز بیشتری دارد؟ و آیا بسامد زیاد یک سازکار دفاعی خاص می‌تواند مفهومی ویژه‌ای را دربرداشته باشد؟

## پیشینه پژوهش

در زمینه داستان جمشید و خورشید، پژوهش‌هایی انجام شده است و در قالب مقالاتی به چاپ رسیده است. از میان پژوهش‌هایی که تاکنون درباره جمشید و خورشید صورت گرفته است، می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «تحلیل عناصر داستانی منظومه جمشید و خورشید» (ذوالفقاری و اصغری، ۱۳۸۸)، «تأثیر و تأثر سلمان ساوجی و حافظ شیرازی» (سازواری، ۱۳۸۹)، «جمشید در گذر از فردانیت» (شریفی و اظهري، ۱۳۹۱)، «بازخوانش بینامتنی منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی از منظر تاریخ‌گرایی نو» (قاسم‌زاده، ذبیح‌نیا و بردخونی، ۱۳۹۳)، «بن‌مایه‌های تمثیلی- عرفانی گنوسی در منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی» (رجبلو و علیمی، ۱۳۹۶)، «تحلیل خورشید و جمشید بر پایه نظریه پراپ» (واشقانی فراهانی، هاشمیان و رحمانی ۱۳۹۳) و «بازتاب اندیشه‌های صوفیانه در داستان جمشید و خورشید» (میرهاشمی، ۱۳۹۴). با توجه به آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که بیشتر این مقالات مطالبی را درباره این منظومه یادآوری کرده‌اند؛ ولی این منظومه در تبیین مصادیق و پرداخت تطبیقی و عینیت‌یابی سازکارهای دفاعی- روانی، مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است و پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات انجام گرفته تازه است. این

نوشتار بر آن است تا مطالعه‌ای در زمینه بررسی سازکارهای دفاعی - روانی فروید در این منظومه را داشته باشد.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

هدف این نوشتار، بررسی سازکارهای دفاعی - روانی فروید، در منظومه غنائی جمشید و خورشید سلمان ساوجی است. این منظومه به جهت قابل انطباق بودن واکنش‌های این شخصیت‌ها با سازکارهای دفاعی - روانی فروید، یکی از بهترین منابع، برای تحلیل و بررسی این سازکارهاست. از این رو بررسی آن در این زمینه ضرورت دارد.

### سلمان ساوجی

«خواجه جمال‌الدین سلمان بن علاء‌الدین محمد، مشهور به «سلمان ساوجی» یکی از شاعران اوایل قرن هشتم هجری است که در سال ۷۰۹ (ه. ق) در شهر ساوه متولد شده است. وی نخست مداح خواجه غیاث‌الدین محمد، بوده؛ سپس به آل‌جلایر می‌پیوندد و امیر شیخ حسن ایلخانی را مدح می‌گوید. سپس در رکاب امیر شیخ حسن به بغداد می‌رود و در آنجا سمت ملک‌الشعرایی می‌یابد؛ اما در اواخر عمر از چشم جلایریان می‌افتد به ناچار به زادگاه خود برمی‌گردد، آنرا گزیده تا پایان عمر در ساوه می‌ماند و در آنجا در دوازدهم ماه صفر سال ۷۷۸ (ه. ق) فوت می‌کند. سلمان را می‌توان آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران پیش از دوره بازگشت ادبی دانست که از همه معاصران خود بهتر از عهده تتبع قصاید شاعران قصیده‌سرای قرن پنجم و ششم برآمده است. خواجه را دو مثنوی است: مثنوی «فراق‌نامه» مصدر به نام سلطان اویس به بحر متقارب است و مثنوی «جمشید و خورشید» به بحر هزج مسدس.» (صفا، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۷۰). جمشید و خورشید یکی دیگر از منظومه‌های عاشقانه کلاسیک فارسی است که سلمان ساوجی آن را به سبک «خسرو و شیرین» نظامی، درباره عشق جمشید، پسر فغفور چین با خورشید، دختر قیصر روم به رشته نظم درآورده است. «این منظومه اگرچه از لحاظ موضوع چندان بکر و تازه نیست، ولی از نظر محتوا بر مضامین تازه شعری و تنوع غزلیات و رباعیاتی که در آن فراوان دیده می‌شود، حائز اهمیت است.» (یاسمی، ۱۳۰۲: ۱۱۷). با اینکه این منظومه در قالب مثنوی است، اما در قالب‌های دیگری حتی در اوزانی متفاوت از وزن اصلی منظومه: شامل چهل غزل، هفده رباعی، هجده قطعه، یک

دوبیتی و یک تک‌بیتی است. «و این‌گونه پردازش شاعرانه را می‌توان نوعی هنجارگریزی قالبی دانست که شاعران برای رفع ملال خواننده یا تفنّن و تنوّع با تغییر نرم غالب و آوردن غزل یا قالب‌های دیگر در بین قالبی مسلّط به وجود آورده‌اند.» (یوسف نژاد، ۱۳۸۸: ۸۸-۱۲۰).

### خلاصه داستان

در این داستان، به روایت شاعر، جمشید تنها پسر فغفور پادشاه چین، دختری به نام خورشید را در خواب می‌بیند و شیفته وی می‌شود، پس از بیداری حالش دگرگون می‌گردد و در پی یافتن معشوقه برمی‌آید، بنابراین با بازرگانی جهان‌دیده و نقاش به نام مهرباب روبه‌رو می‌شود و از وی یاری می‌طلبد. مهرباب، تصویر خورشید دختر قیصر روم را به او نشان می‌دهد؛ و او در همان لحظه او را می‌شناسد، زیرا تصویر دختری است که مدت‌ها پیش او را در خواب دیده بود. تا اینکه جمشید برای دست یافتن به او علی‌رغم خواست پدر و مادرش، با لباس بازرگان به همراهی مهرباب بازرگان رهسپار روم می‌شود؛ و پس از پشت سر گذاشتن پیشامدهایی مانند گذر کردن از سرزمین پریان و جنگیدن با اکوان دیو و اژدها وارد روم می‌شود و سرانجام به دربار قیصر روم راه می‌یابد و با خورشید آشنا می‌شود و هر دو، عاشق یکدیگر می‌گردند و پنهانی با یکدیگر نزد عشق می‌بازند. افسر، مادر خورشید، چون از رخداد باخبر می‌شود، دختر را در قلعه‌ای زندانی می‌کند. جمشید در فراق خورشید بی‌تاب شده، سر به کوه و بیابان می‌گذارد. تا اینکه مهرباب به سراغش می‌آید و پس از یک ماه او را در کوهی پیدا می‌کند و با خودش به دربار قیصر می‌آورد. قیصر، جمشید را وزیر خود می‌کند تا اینکه سرانجام با روشن شدن هویت راستین جمشید، مادر خورشید از کار خویش پشیمان می‌شود و با میانجیگری مهرباب، خورشید را از زندان آزاد می‌کند. در این هنگام شادی شاه، پادشاه شام، به خواستگاری خورشید می‌آید، قیصر برای آزمودن شادی شاه، شراب زیاد به او می‌خورد ولی شادی شاه از عهده این کار بر نمی‌آید و رسوایی به بار می‌آورد و در چوگان‌بازی با جمشید نیز شادی شاه درمانده می‌شود. جمشید در همان میدان چوگان‌بازی، قیصر روم را از چنگ شیر می‌رهاند و شیر را به هلاکت می‌رساند. قیصر از شادی شاه دلسرد شده و جمشید را بر او برتری می‌دهد. قیصر برای پذیرفتن شادی شاه به دامادی، بهانه می‌آورد و با گذاشتن شرایط دشوار تقاضای او را رد می‌کند. شادی شاه به شام برمی‌گردد. افسر از اینکه مبادا شادی شاه به روم لشکرکشی کند، نگران می‌شود و موضوع

را با جمشید در میان می‌گذارد. جمشید از قیصر اجازه می‌خواهد تا کار شام را یکسره کند. قیصر روم به این امر راضی می‌شود و جمشید با لشکری انبوه راهی شام شده و لشکر شام را شکست می‌دهد و شام را از تصرف مهرج خارج می‌کند و حکومت آن را به نوذر می‌سپارد و خود به روم باز می‌گردد؛ و با خورشید ازدواج کرده و به دامادی قیصر روم درمی‌آید، پس از برگزاری مراسم جشن عروسی، جمشید و خورشید به بهانه گردش در کوه و دشت رهسپار چین می‌شوند. جمشید به پدر و مادر خود می‌رسد و پدرش فغفور پادشاهی چین را بدو واگذار می‌کند و جمشید تا آخر عمر به عدل و داد سلطنت می‌کند.

### مبانی نظری پژوهش

از دیدگاه فروید، اساس نظریه روان و ساختار شخصیت هر انسان بر سه بخش مهم استوار است که این سه بخش عبارت‌اند از: نهاد «Id»، من «ego» و فرامن «Superego». «این سه عنصر اساسی شخصیت، همواره و به صورتی متقابل، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، اما از لحاظ ساختار، کنش، عناصر تشکیل‌دهنده و پویایی، به طرز مشخصی با یکدیگر تفاوت دارند. از نظر فروید رفتار یا روان یا شخصیت انسان، همیشه محصول ارتباط متقابل، متعامل و متعارض این سه عامل است.» (شاملو، ۱۳۸۴: ۳۲).

«نهاد»، منشأ همه خواسته‌ها و تمایلات غریزی و طبیعی از جمله غرایز جنسی و پرخاشگری است. ارضای این غرایز به خصوص غریزه جنسی مهم‌ترین کارکرد «نهاد» به شمار می‌آید. «نهاد»، به ارزش‌ها، اخلاقیات، بایدها و نبایدها، قوانین، عرف جامعه، منطق و مذهب هیچ‌گونه ارزشی قائل نیست. «نهاد»، در ارضای خواسته‌های خود تنها به لحظه حال می‌اندیشد و به آینده توجهی ندارد. دو بخش دیگر روان انسان، یعنی «من» و «فرامن» از «نهاد» منشعب می‌شوند و نیروی لازم برای بقای خود را از آن کسب می‌کنند.

«فرامن» یکی از دو قسمت جدا شده از «نهاد» است که نظارت امور اخلاقی «نهاد» به عهده این بخش است. «فرامن بر خلاف نهاد موروثی نیست، بلکه اساس شکل‌گیری آن از سنین ۵-۶ سالگی کودک و تحت نظارت خانواده شروع می‌شود. «فرامن» خود نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود: «وجدان و خود ایدئال.» (همان: ۳۴). دومین بخش از «نهاد» که از آن منشعب می‌شود تا کنترل امور «نهاد» را بر عهده بگیرد «من» یا خود» است. (ر.ک: گرین،

۱۳۱۵:۱۳۲ و سولتز، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۱) «من» عامل متعادل‌کننده بین «نهاد» و «فرامن» است. «من» تعیین می‌کند که کدام یک از خواسته‌ها و تمایلات «نهاد» در چه زمان و مکانی و به چه صورت تأمین شوند و یا از ارضای کدام یک از آن‌ها جلوگیری شود. روش «من» در کنترل امور و نظارت بر آن‌ها بسیار منطقی و معقول است.

یکی دیگر از مباحثی که زیگموند فروید، در نظریهٔ شخصیتی‌اش مطرح کرده است، بحث سازکارهای دفاعی (defense mechanisms) است که پیوند محکمی با ناکامی و اضطراب دارد. سازکارهای دفاعی شیوه‌های غیرارادی هستند که شخص به طور ناخودآگاهانه و غیرتعلقی برای کاهش اضطراب و حفظ شخصیت خود از آن‌ها استفاده می‌کند. با کمی تأمل در شخصیت انسان‌ها می‌توان این تحریف واقعیت و خودفریبی را در رفتار آن‌ها مشاهده نمود. قسمت «من» شخصیت در نظریهٔ فروید در تعدیل کشمکش‌ها و اضطراب‌هایی که در ساخت شخصیت ایجاد می‌شود نقش میانجی را بازی می‌کند. در مواقعی که نیازها و تمایلات انسان با مقررات اجتماعی ناسازگار باشد و همچنین در موقعیت‌هایی که اضطراب و ناکامی پیش می‌آید و به عللی ارزش و به طور کلی تمامیت شخص فرد مورد تهدید قرار می‌گیرد «من» به کمک سازکارهای دفاعی وارد عمل می‌شود و از آن‌ها به‌عنوان سلاحی برای حفظ تمامیت شخصیت استفاده می‌کند. اشخاص، خیلی کم از سازکارهای دفاعی بهره می‌گیرند و اغلب مجموعه‌ای از سازکارها در مواجهه با متعارض‌ها به کار گرفته می‌شود متعارض‌های مورد نظر شامل مواردی می‌شود که بین دو بخش نهاد و من و یا نهاد و فرامن ایجاد می‌شود.

### بررسی و تحلیل سازکارهای دفاعی - روانی

از آنجا که منظومهٔ جمشید و خورشید در قالب و شکل داستان است؛ طبیعی است که شخصیت‌های داستان در طول زندگی‌شان دچار موانع و مشکلات گوناگونی می‌شوند. برطرف کردن برخی از این موانع، آسان و مواجهه با برخی دیگر بسیار سخت است و شخص را دچار درگیری روانی می‌کند؛ بنابراین در چنین حالت روانی، سازکارهای دفاعی شروع به کار می‌کنند تا شخص را از تضاد درونی‌های رهایی دهند. با توجه به این امر می‌توان گفت که منظومهٔ جمشید و خورشید بستر مناسبی برای بررسی سازکارهای دفاعی فروید است. مهم‌ترین

سازکارهایی که شخصیت‌های این منظومه از آن‌ها برای رهایی از فشار روانی ناشی از شکست استفاده کرده‌اند، عبارتند از: ۱- خواب و رؤیا ۲- تبدیل ۳- پیوندجویی ۴- اقرار و جلب ترحم ۵- شک و تردید ۶- پرخاشگری ۷- گریز ۸- باطل‌سازی ۹- دلیل‌تراشی ۱۰- واکنش وارونه.

#### ۱- سازکار خواب و رؤیا (Dream):

رؤیا یا خواب دیدن از جمله مسائلی انسانی است که دانشمندان نظریه‌های گوناگونی دربارهٔ تعبیر و تفسیر آن اظهار کرده‌اند. ولی نظریه‌ای که بیش از همه، مورد توجه قرار گرفته است نظریهٔ روان‌کاوان است. معلومات جدید ما درباره رؤیا از فروید آغاز می‌شود که برای نخستین بار به مطالعهٔ رؤیا و تعبیر آن با روش علمی پرداخت. «به عقیده فروید، رؤیا یک نوع فعالیت روان‌شناختی است و او، معتقد است که رؤیا، تعارض‌های روانی را که شخص در حال حاضر دارد روشن می‌کند. طبق نظر فروید، میل‌هایی که ارضای آن‌ها در عالم بیداری امکان نداشته باشد، در عالم خواب ارضا می‌شوند، ولی در خواب به شکل واقعی خود ظاهر نمی‌شوند، زیرا شخص از اظهار آن‌ها جلوگیری می‌کند و شکل واقعی آن‌ها باعث بیداری او می‌شود. از این رو، چنین امیال به صورت رمز در خواب ظاهر می‌شوند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵۶۰). بروز این سازکار هنگامی است که شاه چین، یک شب مجلس بزمی ترتیب می‌دهد و همه را به این مجلس دعوت می‌کند و غلامان تا صبح به شادی‌خواری می‌پردازند تا اینکه جمشید را خواب فرا می‌گیرد و به خواب می‌رود و در خواب جایی سرسبز و خرم را می‌بیند.

همه‌شب بود نوش‌انوش ساقی	نبود از کامرانی هیچ باقی
ز جا برخاست ساقی شمع بنشست	ملک در خواب شد چون مردم
چو روی خود بهشتی دید در خواب	روان در وی چو کوثر چشمه آب
میان باغ قصری دید عالی	چو برج ماه خورشیدیش والی...

(سلیمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۱۶)

#### ۲- سازکار تبدیل (Conversion):



یکی از سازکارهای دفاعی - روانی که انسان در موقع تنش برای کاهش استرس از آن استفاده می‌کند، مکانیزم تبدیل است. «سازکار تبدیل با اصطلاحاتی دیگری نظیر وارونه‌سازی، مبدل‌سازی، تغییر، جسمانی‌سازی و... نیز به کار برده می‌شود. در واقع، تبدیل عبارت است از: تغییر حالت و تبدیل محسوسات به حرکات و حواس ظاهری؛ به عبارت دیگر به وسیله تبدیل، درگیری‌های درونی و کشمکش‌های روانی به تعلیقی در حرکات حسی یا حرکتی تبدیل می‌شود. به این ترتیب این سازکار از سمت ناخودآگاه ذهن به اختلالات جسمی پرداخته و بدون آن که بخش خودآگاه ذهن از آن واقف باشد، ناتوانی‌هایی را جهت جذب سود و منفعت و دفع ضرر و زیان به وجود می‌آورد. از طریق تبدیل می‌توان نشان داد که یک تصور احساسی به راحتی می‌تواند جای خود را به یک عارضه جسمانی بدهد. به زبان دیگر هر درگیری عاطفی و احساسی در قسمت ناخودآگاه ذهن نمی‌تواند مستقیماً ظاهر گردد، در نتیجه به یک سری علائم ناراحتی جسمانی موجه و منطقی تبدیل می‌گردد.» (فروید، ۱۳۱۶: ۱۱۱). سازکار تبدیل یعنی «تبدیل شدن یک ناراحتی روانی به یک دشواری جسمی، مثلاً کسی که با شنیدن یک خبر بد بی‌هوش می‌شود. سازکار تبدیل معمولاً یک واکنش موقت است و بر اثر گذشت زمان یا روان‌درمانی به حالت طبیعی برمی‌گردد.» (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۲). با این توضیح پرستاران جمشید، وقتی متوجه می‌شوند که جمشید بعد از بیدار شدن از خواب آشفته شده و با هیچ‌کس سخن نمی‌گوید، ماجرا را به شاه می‌گویند و شاه نیز این موضوع را با مادر جمشید در میان می‌گذارد و مادر با شنیدن این سخنان دچار تنش می‌شود و از هوش می‌رود؛ بنابراین مادر جمشید، اضطراب و فشار روانی خود را با علامت‌های بدنی نشان می‌دهد.

سازکار دفاعی تبدیل، در جای دیگری در منظومه نیز بروز می‌کند. آنجا که جمشید همراه غلامان خویش، وارد قصر خورشید می‌شود، با دیدن زیبایی‌های قصر، به یاد خوابی می‌افتد که قبلاً دیده بود، بنابراین دچار اضطراب و کشمکش درونی می‌شود و به منظور کاستن از رنج روانی خود از شدت شوق از هوش می‌رود.

چو خورشید رو یعنی که جمشید	چو چشم انداخت بر خرگاه خورشید
نماندش تاب چون مه جامه زد چاک	چو نور آفتاب افتاد بر خاک

از آن خمخانه‌اش یک جرعه سرجوش بدادند و برون رفت از سرش هوش  
(همان: ۶۰)

### ۳- سازکار پیوندجویی (Affiliation):

پیوندجویی، یکی دیگر از سازکارهای دفاعی - روانی است که انسان برای کاهش تنش از آن استفاده می‌کند. پیوندجویی یعنی «کمک خواستن و حمایت دیگران را خواستار شدن و تسهیم مشکلات با دیگران است.» (فروید، ۱۳۹۵: ۳۷)؛ بنابراین بروز این سازکار وقتی است که جمشید، به خاطر خوابی که شب گذشته دیده بود، صبح بعد از بیدار شدن دچار تعارض می‌شود و نمی‌داند که چه کار باید بکند؛ بنابراین از سازکار پیوندجویی برای کاهش فشارهای روحی و روانی خویش استفاده می‌کند و خواب خویش را به مهرباب می‌گوید و از وی برای رسیدن به معشوقش چاره می‌طلبد.

ملک بگشاد راز صورت خواب یکایک باز گفت آن شب به مهرباب  
تو این رنج مرا گر چاره‌سازی ز هر گنجت ببخشم بی‌نیازی  
(سلیمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۳۰)

بهره‌گیری از سازکار دفاعی پیوندجویی را بار دیگر می‌توان در رفتار خورشید مشاهده کرد. خورشید که از عشق جمشید آشفته و واله می‌شود، مضطرب می‌گردد و به‌منظور کاستن از رنج روانی و تسکین کشمکش درونی خویش به سازکار دفاعی - روانی پیوندجویی متوسل می‌شود و از «شکر» آوازخوان جمشید که در قصرش بود، کمک می‌خواهد و او را به طلب جمشید می‌فرستد.

به شکر گفت کای مرغ خوش‌آواز به پیغامی دل جمشید بنواز  
بگو از من چرا دوری گزیدی چرا نادیده هیچ از ما بریدی  
دمی خواب و خمار از سر بدر کن به خلوتگاه بیداران گذر کن  
(همان: ۸۳)

### ۴- سازکار اقرار و جلب ترحم (Sympathism & Acting out):

نوع دیگر سازکار دفاعی اقرار و جلب ترحم است. عملکرد این سازکار به این صورت است که «گاهی شخص برای کاهش اضطراب و فشار روانی ناشی از ناکامی و تعارض، می‌کوشد با توضیح شکست‌ها و نقص‌ها و ناراحتی‌های خویش، ترحم و همدردی دیگران را نسبت به خودش برانگیزد که به این نوع سازکار، سازکار استرحام یا هم‌دردخواهی نیز می‌گویند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳۲). با این تحلیل می‌توان گفت که پدر جمشید نیز ناخودآگاه از این سازکار بهره می‌گیرد، چون وقتی باخبر می‌شود که جمشید عزم را جزم کرده تا به کشور روم برود، مضطرب می‌گردد، قاصدی را به نزد جمشید می‌فرستد و به وی سفارش می‌کند از قول او با گفتن سخنانی نرم و محبت‌آمیز، مانع رفتن او شود.

به پیران سر مکن از من جدایی	مده بر باد ملک و پادشاهی
مرو از دست من ای شاهبازم	که چون رفتی نخواهی دید بازم
به گیتی جز تو فرزندی ندارم	دلارائی و دلبندی ندارم...

(سلمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۳۲)

##### ۵\_ سازکار شک و تردید (Hesitating):

طبق نظر فروید، یکی دیگر از سازکارهای دفاعی که برای سازگاری بهتر فرد در محیط اضطراب‌آور به کار می‌رود، سازکار شک و تردید است. «تردید با بی‌حرکی ارتباط نزدیکی دارد. برخی افراد وقتی با مسائل دشواری روبه‌رو می‌شوند، تردید به خود راه می‌دهند یا دودل می‌شوند. با اینکه تردید ممکن است خودشکن به نظر برسد، اما به افراد روان‌رنجور خدمت می‌کند، زیرا از عزت‌نفس کاذب آن‌ها محافظت می‌نماید.» (فیست، ۱۳۸۸: ۱۰۴). براین اساس مصداق بارز این سازکار، هنگامی است که جمشید به همراه تنی چند از غلامان خویش به قصر قیصر روم می‌رود و قیصر، جمشید را کنار خود می‌نشاند و از وی سؤال‌هایی می‌پرسد، جمشید نیز با زیرکی جواب می‌دهد و قیصر از پاسخ جمشید دچار شک و تردید می‌شود و در دل خود می‌گوید: «این جوان از تاجران نیست، بلکه به فرشتگان می‌ماند».

به دل گفت این جوان گوئی سروش است	ز سر تا پا همه از عقل و هوش است
نمی‌دانم که اصلش از کیان است؟	ولی دانم که با فرّ و کیان است

نه نیز از تاجران است این جوانمرد که کم یابد کسی تاجر جوانمرد  
(سلمان ساوجی، ۱۳۴۱: ۵۵)

#### ۶- سازکار پرخاشگری (Aggression):

یکی از سازکارهای دفاعی- روانی ستیزه‌جویانه که برخی افراد در برخورد با دیگران به کار می‌برند، پرخاشگری است. «پرخاشگری یعنی غلبه کردن به زور بر مخالفان که تقریباً یک رفتار همگانی است، به شکل‌های مختلف: کلامی (دشنام دادن، توهین کردن، طعنه زدن، سرزنش)، یا بدنی (حمله و کتک‌کاری) و گاهی کلامی و بدنی با هم ظاهر می‌شود.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳۳). مصداق بارز سازکار پرخاشگری در این داستان زمانی است که وقتی سخن‌چینان، خبر هم‌صحبتی خورشید با جمشید را به مادر خورشید می‌رسانند، مادر خورشید خشمگین می‌شود و دستور می‌دهد تا خورشید را زندانی کنند.

کشان خورشید را با خویشان برد به لالائی دو سه شیرنگ بسپرد  
شکر لب را در آن بتخانه تنگ نهان بشاند چون یاقوت در سنگ  
(سلمان ساوجی، ۱۳۴۱: ۹۱)

مصداق دیگر این سازکار دفاعی موقعی است که جمشید بعد از عروسی با خورشید می‌خواهد به کشور چین برگردد، موضوع را با خورشید در میان می‌گذارد، خورشید نزد مادرش می‌رود تا وی را از این خواسته جمشید آگاه کند. مادر از شنیدن این سخن آشفته می‌شود و افسر و تاج خویش را بر زمین می‌زند.

بشنید افسر، افسر بر زمین زد گره بر ابرو و چین بر جبین زد  
برآشفته از حدیث رفتن جمشید به دختر گفت از این معنی مزین دم  
(همان، ۱۶۹)

#### ۷- سازکار گریز (Escape):

سازکار گریز، یکی از پراهمیت‌ترین و مرسوم‌ترین سازکارهای دفاعی- روانی است. «بسیاری از افراد به هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، به شیوه‌های مختلف از آن می‌گریزند؛ گاه با پناه بردن به باده‌گساری، تمارض، عزلت و انزوا و شیوه‌های دیگر می‌کوشند

تا عذاب سختی‌ها و مشکلات را به باد فراموشی سپرده و از آن بگریزند. در پاره‌ای از موارد انزوا و گریز از شرایط آزار دهنده، بهترین روش برای مقابله با شکست است. البته باید خاطرنشان کرد که عزلت، برخی مواقع جنبه غیرمنطقی و بیمارگونه به خود می‌گیرد و سبب جدا شدن فرد گوشه‌گیر از حقایق شده و مانع آشکار شدن دوباره تمایلات و خواسته‌ها می‌گردد و فرد ظاهراً نسبت به موانع یا خود سرنوشتش بی تفاوت می‌شود.» (فروید، ۱۳۸۶: ۶۵). مصداق این سازکار موقعی است که وقتی جمشید مطلع می‌شود که خورشید را زندانی کرده‌اند و دیگر نمی‌تواند خورشید را ببیند، از عشق خورشید دیوانه می‌شود و سر به کوه و بیابان گذاشته و از مردم فاصله می‌گیرد. در واقع جمشید با ایجاد فاصله بین خود و مشکل، به صورت ناهشیار از این مشکل می‌گریزد.

ملک بیگانه و دیوانه از خویش گرفت از عشق راه کوه در پیش  
پی خورشید چون در کوه می‌تافت عنان بر کوه چون خورشید می‌تافت  
(سلمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۱۰۰)

#### ۸\_ سازکار باطل سازی (Undoing):

از جمله سازکار دفاعی که شخصیت‌ها در مواجهه با اضطراب از آن استفاده می‌کنند، سازکار باطل‌سازی است. این سازکار بدان معناست که «برای فسخ یا خنثی کردن یک فکر پلید، وسوسه و یا یک عمل ناخوشایند به کار برده می‌شود و درست مانند این است که یک شخص، لغت غلطی را بنویسد و سپس برای تصحیح آن از پاک‌کن استفاده کند؛ بنابراین باطل‌سازی سازکاری است که براساس آن، شخص برای از میان برداشتن اثر اشتباه خود، اقدام به کار دیگری کند. عذرخواهی، شرمندگی، ندامت و ریاضت، همه انواع مختلفی از باطل‌سازی اعمال و رفتار ناشایست است.» (فروید، ۱۳۸۶: ۱۲۰)؛ بنابراین بروز این سازکار وقتی است که جمشید، از مادر خورشید درخواست می‌کند تا خورشید را از زندان آزاد کند، بنابراین مادر خورشید به سبب قصوری که مرتکب شده بود و از آن رنج می‌برد، تلاش می‌کند به نحوی جریمه عمل خلافتش را بپردازد و عذرخواهی بکند تا خود را از فشار روانی نجات بدهد، لذا برای خنثی کردن عمل خود و جبران کار ناپسند خویش، به حصار می‌رود و بعد از عذرخواهی، خورشید را از زندان آزاد می‌کند.

چو مادر حال دختر را تبه دید      چو چشم خور جهان تنگ و سیه دید  
 به یوزش گفت ای ترک خطائی      خطا کردم ز تقدیر خدائی  
 به زاری گفت ای سرو گل‌اندام      فدای چشم مخور تو بادام...  
 برون آوردش از غم‌خانه سنگ      چو لعل از سنگ و همچون شکر از تنگ  
 (سلمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۱۳۳)

#### ۹- سازکار دلیل‌تراشی (Rationalization):

یکی دیگر از سازکارهای دفاعی- روانی که افراد تحت فشار، برای تسکین ناکامی‌هایش از آن بهره می‌گیرند، سازکار دلیل‌تراشی است که از رایج‌ترین شیوه‌های دفاعی است. چون انسان خود را موجودی عاقل می‌داند، زمانی که مرتکب کار نادرستی می‌شود، برایش دشوار می‌شود که قبول کند عمل بدی انجام گرفته است، لذا به دلیل‌تراشی متوسل می‌شود. «شخص می‌کوشد در استفاده از این سازکار دفاعی، انگیزه‌ها یا رفتار غیرمنطقی و نامعقولش را منطقی و معقول جلوه دهد و توجیه کند تا خود را از انتقاد دیگران مصون دارد. در واقع شخص به نقص واقعی خود، آگاهی ندارد و حتی معتقد است که رفتار او کاملاً منطقی است و این خطای دیگران است که به انگیزه‌های رفتار او عنایت ندارند، بنابراین، رفتار او را غیرمنطقی می‌پندارند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۲۶). «از این سازکار به اسامی گوناگونی از قبیل بهانه‌جویی، احتجاج، استدلال بدلی، منطق نابجا، دلیل‌یابی، خودفریبی، توجیه عقلانی، عذرتراشی و فریب‌کاری یاد کرده‌اند.» (احمدوند، ۱۳۸۴: ۴۴). با این تحلیل می‌توان گفت که شادی شاه، روز دیگر کسانی را برای خواستگاری از خورشید نزد قیصر می‌فرستد. قیصر که نمی‌خواهد دخترش را به تزویج شادی شاه درآورد، برای پذیرفتن تقاضای وی سه شرط را مطرح می‌کند. بدین ترتیب قیصر در مواجهه با تنش و کشمکش‌های درونی خود به یک سلسله دلیل‌تراشی متوسل می‌شود و سعی می‌کند تا عذر و بهانه‌ای برای خود بیابد. لذا از سازکار دلیل‌تراشی در جهت بهبود اوضاع روحی خود بهره می‌گیرد.

نخستین از پی‌کابین دختر      دهد یک‌نیمه مملک شام و بربر  
 دوم باید که بوید سوی افرنج      به رسم باج از آن بوم آورد گنج  
 سوم شرط آنکه سوی کشور شام      نسازد عزم و اینجا گیرد آرام

(سلمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۱۴۶)

## ۱۰- سازکار واکنش وارونه (Reaction Formation):

یکی دیگر از سازکارهای دفاعی- روانی، واکنش وارونه است که به اسامی دیگری نظیر وانمودسازی، عکس‌العمل‌سازی، واکنش‌سازی و... بکار برده شده و فرد را در برابر اضطراب محافظت می‌کند. «به کمک این سازکار در فرد خصوصیات خلقی و رفتار خاصی پدید می‌آید که معمولاً نقطه مقابل تمایلات درونی شخص است و بعضی از مردم در یک وضع و موقعیت تعارضی، احساسات و گرایش‌های خود را مغایر آنچه واقعاً هستند، نشان می‌دهند و عمل می‌کنند؛ تا به این ترتیب، اضطرابی را که معلول تعارض است کاهش دهند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳۰). مصداق این سازکار زمانی است که وقتی خورشید متوجه می‌شود، مادرش از سخنان او ناراحت شده، به سازکار واکنش‌وارونه دست می‌زند و با بیان مطالبی که با امیال و علایق درونیش در تضاد بوده به مادرش می‌گوید: «سخنان من از باب شوخی بوده و می‌خواستم تا از این طریق محبت شما را نسبت به خود بیازمایم.»

چو خورشید آن عتاب مادری دید	بگردانید وضع و خوش بخندید
به مادر گفت ای پر مهر مادر	همانا کردی این گفتار باور...
فراخی کردم و نقشی نمودم	ترا در مهر خود می‌آزمودم
من از پیش تو دوری چون گزینم	روم با چینیان در چین نشینم
	(سلمان ساوجی، ۱۳۴۸: ۱۳۳)

## جمع‌بندی

عاشق شدن جمشید در پی خوابی به خورشید، شاهزاده رومی، باعث ایجاد تنش در دربار چین می‌شود. مادر در برابر عشق جمشید به دختری از دیار روم، دچار تشویش و نگرانی می‌شود. او با متوسل شدن به سازکار تبدیل و بی‌هوش شدن خود را آرام می‌کند. پدر جمشید اضطراب خود را کنترل می‌کند و سعی می‌کند سازکار جبرانی پیوندجویی را به کار بگیرد تا بلکه پسر را از سفر منصرف کند اما موفق نمی‌شود. جمشید برای وصال خورشید راه پرمشقتی را آغاز می‌کند و در این مسیر با ناکامی‌های بسیاری مواجه می‌شود که با

سازکارهای پیوندجویی، تبدیل و گریز و... بر اضطراب روحی خود غلبه می‌کند و در پایان راه با رعایت موازین فرامن به خواسته خود دست می‌یابد.

خورشید دختری عاشق‌پیشه، گستاخ و بی‌پروا در عشق‌ورزی است. او که در برابر خواسته‌های نهادش سر تسلیم فرود آورده است، برای در امان ماندن از خشم مادرش (فرامن) به سازکار دفاعی وارونگی پناه می‌برد و خود را برای مدتی از خشم مادرش دور نگه می‌دارد. افسر، مادر خورشید مطیع فرامن است، او که در ابتدا از اصالت جمشید بی‌خبر است، حاضر نمی‌شود دختر خود را به بازرگانی غریب بدهد از این رو در برابر عشق دخترش که او را دچار اضطراب ساخته بود به سازکار دفاعی پرخاشگری پناه می‌برد و دخترش را زندانی می‌کند. او هنگامی که از اصل و نسب جمشید آگاه می‌شود برای ساکت کردن عذاب وجدان خود از سازکار باطل‌سازی کمک می‌گیرد و از دخترش عذرخواهی می‌کند. پدر خورشید به دلیل تسلط افسر بر امور قصر، گویا از عشق‌بازی دخترش مطلع نیست، تنها حضور جدی او در رابطه عاشقانه جمشید و خورشید، مخالفت او با خواستگاری شادی شاه است. او با کمک گرفتن از سازکار دلیل‌تراشی شروط سختی را پیش پای شادی شاه می‌گذارد و بدین ترتیب به خواسته قلبی‌اش - که ازدواج دخترش با جمشید است - می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

همه انسان‌ها دارای احساس، آرزو و... هستند، بنابراین وقتی که در راه رسیدن به اهدافشان با مانع برخورد می‌کنند، ناکام شده و احساس ناراحتی و تنش می‌کنند؛ و برای اینکه بتوانند تعادل روحی - روانی خود را برقرار سازند، به سازکارهای دفاعی - روانی متوسل می‌شوند تا با بهره‌گیری از این سازکارها بتوانند این فشارها را تحمل کنند و روان رنجوری خودشان را بهبود ببخشند. توسل به سازکارهای دفاعی - روانی تقریباً برای همه انسان‌ها پیش می‌آید و هر کس در زندگی روزانه خود به‌گونه‌ای شکست‌ها، نگرانی‌ها و اضطراب‌های خود را به کمک همین سازکارها ناچیز جلوه می‌دهد. شخصیت‌های این داستان نیز خواه‌ناخواه با ناکامی و کشمکش‌های درونی و دلوپسی روبرو می‌شوند و دچار تنیدگی و ناراحتی می‌گردند. برای رهایی از این ناراحتی غالباً ناآگاهانه و خودبه‌خود به سازکارهای دفاعی - روانی متوسل می‌شوند. پس از تحلیل منظومه جمشید و خورشید از منظر



روان‌شناختی یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سازکارهای دفاعی از جمله خواب و رؤیا، پیوندجویی، اقرار، شک و تردید، پرخاشگری، گریز، باطل‌سازی، دلیل‌تراشی، واکنش‌وارونه حضوری چشمگیر دارند و از میان آن‌ها سازکار «پیوندجویی و تبدیل» بالاترین فراوانی را دارند. این مقاله نشان می‌دهد که این منظومه داستانی به‌نوعی متبلورکننده مشکلات و آسیب‌های روحی-روانی است و شخصیت‌های آن پس از هر بار متوسل شدن به سازکارهای دفاعی از روان رنجوری خویش رهایی یافته و توانسته‌اند به آرامش نسبی دست بیابند؛ و همچنین این منظومه ظرفیت‌های بی‌شماری برای تحلیل روان‌کاوی به‌ویژه در زمینه سازکارهای دفاعی-روانی را دارد؛ بنابراین می‌توان با استفاده از نقد روان‌شناختی به بررسی این‌گونه منظومه‌های داستانی پرداخت و مفاهیم مکنون در آن را در اختیار خوانندگان قرار داد. تحقیق در ادبیات بر این ادعا صحه می‌گذارد که در ادبیات تمام ملل از جمله ادبیات فارسی، سازکارهای دفاعی-روانی فروید، کاربرد وسیعی دارند

## منابع

### الف) کتاب‌ها

- احمدوند، محمدعلی. (۱۳۸۴). بهداشت روانی. چاپ سوم. تهران: انتشارات پیام نور.
- سلمان ساوجی. (۱۳۴۸). مثنوی جمشید و خورشید. به اهتمام ج. ب. آسمون و فریدون وهمن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). روان‌شناسی عمومی انسان. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۴). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. چاپ هشتم. تهران: رشد.
- شولتز، دوان و سیدنی ال. (۱۳۸۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چاپ پنجم. تهران: ویرایش.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۹۱). تاریخ ادبیات ایران (جلد ۲). تلخیص محمد ترابی. چاپ بیست یکم. تهران: انتشارات فردوس.
- فروید، آنا. (۱۳۹۵). من و سازکارهای دفاعی. ترجمه محمد علی‌خواه تهران. چاپ چهارم. نشر مرکز.
- فروید، زیگموند. (۱۳۸۶). مکانیزم‌های دفاعی روانی. ترجمه سیدحبیب گوهری‌راد و محمدجوادی. چاپ ششم. تهران: ناشر رادمهر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). روان‌کاوی و زندگی من. ترجمه عنایت. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- فیست، جس، فیست، گریگوری جی. (۱۳۸۸). نظریه‌های شخصیت. مترجم یحیی سید محمدی. چاپ چهارم. تهران: نشر روان.
- کریچی، یوسف. (۱۳۹۰). روان‌شناسی شخصیت. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات پیام نور.
- گرین، ویلفرد و دیگران. (۱۳۸۵). میانی نقد ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ چهارم. تهران: نیلوفر.
- یاسمی، رشید. (۱۳۰۲). تتبع و انتقاد احوال و آثار سلمان ساوجی. تهران: کتابخانه شرق.
- یوسف‌نژاد، یوسف‌علی. (۱۳۸۸). فراهنجاری در مثنوی سرایی. تهران: هنر رسانه اردیبهشت.

### ب) مقالات

- ذوالفقاری، محسن و اصغری بایقوت، یوسف. (۱۳۸۸). «تحلیل عناصر داستانی مثنوی جمشید و خورشید»، فصلنامه اندیشه‌های ادبی، دوره اول، شماره ۱، صص ۹۳-۱۰۸.
- رجبلو، زهرا و علیمی، ماندانا (۱۳۹۶) «بن‌مایه‌های تمثیلی - عرفانی گنوسی در منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۳۳، صص ۸۶-۹۷.
- سازواری، محمود رضا. (۱۳۸۹). «تأثیر و تأثر سلمان ساوجی و حافظ شیرازی»، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۸۲.
- شریفی، غلامحسین و اظهري، محبوبه، (۱۳۹۱)، «جمشید در گذر از فردانیت» (نقد کهن‌الگویی داستان جمشید و خورشید)، مجله بوستان ادب، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- قاسم‌زاده، سید علی، ذبیح‌نیا عمران، آسیه و بردخونی حسین. (۱۳۹۳). «بازخوانش بینامتنی منظومه جمشید و خورشید سلمان ساوجی از منظر تاریخ‌گرایی نو»، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، دوره ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۹، صص ۱۶۱-۱۸۸.
- میرهاشمی، سید مرتضی. (۱۳۹۴). «بازتاب اندیشه‌های صوفیانه در داستان جمشید و خورشید»،

- متن پژوهی ادبی، دوره ۱۹، شماره ۶۶، صص ۱۵۳-۱۶۹.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم، هاشمیان، لیلا و رحمانی، مریم. (۱۳۹۳). «تحلیل خورشید و جمشید بر پایه نظریه پراپ»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۱.

